

در حوالی میدان سرخ

رویکرد مسکو در بازی نفتی

احمد وخشیته*

ولادیمیر پوتین عصر جمعه و پس از جلسه آنلاین با شورای امنیت ملی روسیه، جلسه مجازی دیگری را با الکساندر نواک، وزیر انرژی و رؤسای نفتی روسیه برگزار کرد؛ نشست که ماحصل آن به تیر نخست رسانه‌ها تبدیل شد؛ «پیشنهاد کاهش تولید نفت خام در حدود ۱۰ هزار بشکه در روز ازسوی رئیس‌جمهور روسیه».

پوتن در نشست شورای امنیت ملی که ازطریق شبکه روسیه ۲۴ پخش شد، اعلام کرد: «اقتصاد در شرایط دشوارتری نسبت به گذشته قرار گرفته است، اما کارشناسان معتقدند که قرنطینه خانگی برای جلوگیری از شیوع بیماری کرونا موثر است، از این‌رو ما به نکات آنها گوش می‌کنیم، چراکه اولویت اصلی سلامت شهروندان است.» به موجب این شرایط که دولت موظف است حمایت‌های مالی بسیاری برای کنترل افزایش نرخ بی‌کاری و نظم اقتصادی در جامعه را داشته باشد، گزاف نیست که بگوییم اگر توییت دوم آوریل ترامپ درباره گفت‌وگو با بن‌سلمان و درخواست صحبت‌کردن او با پوتین برای دستیابی به یک توافق نیز نبود؛ حتماً سکان‌داران کرملین برای افزایش قیمت نفت که به کمترین میزان خود در دو دهه اخیر رسیده و هم‌زمان شده است، با شیوع ویروسی بفرجخ در جهان، تصمیمی می‌گرفتند.

پوتین در جلسه نفتی خود، شیوع بیماری کرونا و سیاست‌های عربستان را عامل سقوط قیمت نفت دانست و بر کاهش تولید نفت خام در حدود ۱۰ میلیون بشکه در روز تأکید کرد، اگرچه از سوی دیگر وزیر خارجه سعودی رفتار مسکو در اجلاس اوپک در ششم مارس در وین را عامل دستیابی به توافقی برای کاهش تولید دانسته است.

روابط روسیه و عربستان به‌دنبال سفر پادشاه سعودی به مسکو در اکتبر ۲۰۱۷ و گفت‌وگوهای بن‌سلمان با پوتین و نهایتاً سفر رئیس‌جمهور روسیه به ریاض در پاییز سال گذشته، وارد فصل تازه‌ای شده است که می‌توان نقطه عطف آن را در ائتلاف مسکو و ریاض برای تصمیم‌سازی در قیمت‌گذاری نفت در بازار جهانی به‌منظور مقابله با نفت شل آمریکا دانست؛ استراتژی که از هم‌زمان شد با تحریم نفتی تهران ازسوی ایالات متحده و رقابت برای دستیابی به بازارهایی که تا پیش از این در اختیار ایران بودند.

به نظر می‌رسد که سیاست‌گذاری نفتی روسیه برای سال جدید میلادی (۲۰۲۰) ادامه روند گذشته بود، چراکه به‌دنبال فشارهای آمریکا برای تحریم خط لوله نورد استریچ۳ از انگیزه بیشتری نیز برای این رقابت بره‌مند شده بود؛ اما شاید ازسوی دیگر به بلندپروازی‌های ریاض برای دستیابی حدانگزی به بازارهای آسیایی توجه نداشت؛ موضوعی که

سبب شد به تخفیف و افزایش تولید عربستان را

مشتری‌های خود بینجامد.

تقارن این رویکرد ریاض با شیوع ویروس کرونا، موضوع را پیچیده‌تر کرد؛ چراکه ازسوی دیگر با بسته‌شدن مرزها و تعلیق خطوط هوایی و کاهش چشمگیر حمل‌ونقل در دنیا و به‌ویژه در اروپا، تقاضا به‌طور چشمگیری کاهش یافت و تأثیری مضاعف بر کاهش قیمت نفت داشت. در این میان روسیه که بودجه اسمال خود را با نفت ۴۲ دلار بسته بود، با نفت بشکه‌ای سی و چند دلار روبه‌رو شد. موضوعی که به‌سرعت بر شاخص بورس مسکو نیز تأثیر گذاشت و سقوطی ۱۰درصدی را به خود دید و هر یک دلار از حدود ۶۰ روبل به حدود ۸۱ روبل رسید و یورو تا ۸۸ پیش رفت، از سوی دیگر، همچنین‌وال‌استراتژی‌روان‌اقتصاد گزینۀ اجرائی تحریم‌های جدید نفتی آمریکا علیه روسیه را برای تثبیت بازار نفت مطرح کرد که بدون شک برابند همه این عوامل دلایل بسیار مهمی برای تصمیم کرملین بوده است.

در سوی دیگر، مقامات نفتی روسیه در این جلسه به این موضوع اشاره کردند که در آخرین روز مارس صادرات فروش نفت از سیبری غربی، منفی بوده؛ بدین معنا که برابند قیمت حمل‌ونقل و پرداخت عوارض صادراتی از میانگین هزینه‌ها بالاتر بوده است.

باید توجه داشت که به گفته فاینشال‌تایمز، فروش نفت شل آمریکا با توجه به فرابند استخراج آن اگر کمتر از ۵۰ دلار به فروش برود، سودی نخواهد داشت؛ از این‌رو، به نظر می‌رسد که مسکو به‌دنبال آن باشد که قیمت نه خیلی بالا برود و نه به این میزان پایین باشد. بنابراین می‌توان گفت که اگر بالاتر از ۴۲ دلار و پایین‌تر از ۵۰ دلار باشد، گزینه مطلوبی برای روسیه به شمار می‌آید؛ شاید به همین دلیل بود که پوتین در این جلسه تأکید کرد که ما هم با شرکای سعودی خود دائم در تماس هستیم و همچنین به‌گفت‌وگوی اخیر خود با ترامپ اشاره کرد و بر آمادگی روسیه برای همکاری با آمریکا خبر داد. در شماره بعدی «در حوالی میدان سرخ» به رویکرد روسیه در جلسه پیش‌روی اوپک و تلاش خواهم پرداخت؛ چراکه در مجموع اگرچه هر یک از طرفین، تلاش برای ثبات در بازار نفت را وظیفه خود می‌دانند، اما از نسوی دیگر هر کدام توسعه بازار و صنعت انرژی خویش را دنبال می‌کنند که این موضوع سبب می‌شود منافع آنها در بلندمدت در تقابل با یکدیگر قرار بگیرد.

دانشیار دانشگاه ملی اوراسیا

ایدهمی ویروس کرونا که در امروز در تمام کشورها گسترش پیدا کرده است، موضوعی نیست که تنها به حوزه بهداشت عمومی ارتباط داشته باشد. این بیماری تهدیدهایی بی‌سابقه برای امنیت ملی و بین‌المللی کشورها ایجاد می‌کند و همان‌طور که رهبران بسیاری از کشورها عنوان کرده‌اند، با توجه به تلفات زیاد، مبارزه با این ویروس تفاوت چندانی با جنگ‌های بزرگ و پرهزینه ندارد. در این میان سرویس‌های اطلاعاتی هم مانند زمان وقوع درگیری‌های نظامی، نقشی اساسی برای مقابله با ویروس کرونا دارند و این نقش آفرینی مثل همیشه در سایه انجام می‌شود.

هفته‌نامه فارن‌پالسی در گزارشی به قلم کالدر والتون، نویسنده و دکترای تاریخ از دانشگاه کمبریج، می‌نویسد سرویس‌های اطلاعاتی به چهار روش در جنگ با ویروس کرونا می‌توانند ایفای نقش کنند؛ اول اینکه این سرویس‌ها ارزیابی‌های دقیقی درباره میزان شیوع و اثرات ویروس کووید-۱۹ در اختیار سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران قرار می‌دهند. برای مثال جامعه اطلاعاتی ایالات متحده در خط مقدم مبارزه با کرونا و در مرکز ملی اطلاعات پزشکی در مرینلند تسهیلات اختصاصی در اختیار دارد. مرکز ملی اطلاعات پزشکی با داشتن اپیدمیولوژیست‌ها، ویروس‌شناسان و سایر متخصصان به عنوان خانه‌ای برای تجمع اطلاعات از سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی ایالات متحده درباره ویروس کرونا عمل می‌کند.

مرکز ملی اطلاعات پزشکی مانند سلف خود در دوران جنگ سرد، از سال ۲۰۰۸ به عنوان چشم و گوش ایالات متحده در مباحث مربوط به تهدیدهای بیولوژیک عمل می‌کند. نهادهای اطلاعاتی آمریکا در ماه ژانویه و بر اساس گزارش‌های مرکز ملی اطلاعات پزشکی به دولت ترامپ نسبت به تهدید ویروس‌سی که از شهر ووهان چین نشئت گرفته هندسار داده بودند. ترامپ این هندسارها را نادیده گرفت. اما سوسه مدیریت اولیه در نمی‌توان به حساب سرویس‌های اطلاعاتی گذاشت چراکه آنها به‌موقع نسبت به این خطر هندسار داده بودند. با بی‌توجهی دولت ترامپ به این هندسارها یکی از بدترین شکست‌های سیاسی در تاریخ ایالات متحده به نام دولت این‌اسکان را یافتند تا اطلاعاتی متحصص به فرد

سرقت اطلاعات واسرار

دومین راهی که سرویس‌های برای مقابله با ویروس کرونا پیش‌رو دارند، سرقت اطلاعات و اسرار است. این‌گونه سرقت‌ها معمولاً جاسوسی خوانده می‌شود و اطلاعاتی را دربر می‌گیرد که دیگران می‌خواهند مخفی بمانند. با شیوع ویروس کرونا نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده این اسکان را یافتند تا اطلاعاتی متحصص به فرد از اسرار دیگر کشورها را در اختیار سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان در واشنگتن قرار دهند، از جمله این اطلاعات می‌توان به صحت آمار شیوع ویروس کرونا در یک کشور اشاره کرد. این‌گونه اسرار در مورد کشورهای بسته مانند روسیه، چین و کره شمالی اهمیتی بسیار زیاد دارد.

براساس این ارزیابی‌ها حکومت چین در ابتدای شیوع ویروس کرونا، آمار مبتلایان را پنهان کرده بود. در روسیه که آمار رسمی مبتلایان به طرزی مشکوک پایین اعلام می‌شد، اکنون برای مهار این بیماری محدودیت‌های

جهان



رقابت دولت‌ها برای نمایش پیروزی بر ویروس کووید-۱۹

جاسوس‌بازی با کرونا

سخت‌گیرانه‌ای اعمال شده است. بنابراین آمارهای اطلاعاتی ایالات متحده و شرکایش که از طریق روش کلاسیک و همچنان کارآمد جاسوسی حاصل شده، نقشی اساسی برای مقابله با ویروس کرونا ایفا می‌کند. سومین روشی که نهادهای اطلاعاتی می‌توانند با استفاده از آن به مقابله با شیوع ویروس کرونا یا ایده‌های دیگر در آینده بپردازند، مقابله با ضداطلاعات است. ایالات متحده و چین در حال حاضر در حال نبرد تبلیغاتی بزرگی هستند تا ثابت کنند هر کدام نقش مؤثرتری در مقابله با ویروس کرونا ایفا می‌کنند. همچنین بحث بر سر اینکه حکومت‌های دموکراتیک بهتر می‌توانند از شهروندان خود دفاع کنند یا حکومت‌های غیردموکرات، ادامه دارد. با افزایش تعداد مبتلایان در ایالات متحده که این کشور را در صدر قرار داده، مرگ‌ومیر بر اثر ابتلا به ویروس کرونا هم در آمریکا از تعداد قربانیان در چین فراتر رفته و ایالات متحده در حال شکست در این نبرد است.

در چنین شرایطی حکومت چین برای بی‌اعتبارکردن ایالات متحده در افکار عمومی، با مطرح‌کردن تئوری توطئه ادعا کرده که ارتش آمریکا مسئول انتشار ویروس کروناست. چنین ادعاهایی در دوران جنگ سرد بسیار مطرح می‌شد و ابداع‌کننده آن هم حکومت اتحاد جماهیر شوروی بود. سرویس‌های اطلاعاتی شوروی هم آن روزها ادعا می‌کردند که ارتش آمریکا ویروس HIV را تا سیسات بیولوژیک خود «فورت تریک» ایجاد کرده است. امروز هم چین ادعا می‌کند ویروس کرونا از مرکز اطلاعات ملی پزشکی واقع در همین شهر به عنوان مهم‌ترین مرکز مقابله با ویروس کرونا به بیرون هدایت شده است. یک هم‌کاری غم‌انگیز از ضداطلاعات دیروز شوروی و امروز چین درباره بیماری‌های جدیدی که تلاش‌های ایالات متحده برای مقابله با آن.

دست‌های پنهان خارجی

عجیب نیست که این‌گونه اقدامات ضداطلاعاتی امروز و در شرایطی صورت می‌گیرد که هنوز درمانی برای این بیماری کشف نشده و جوامع در وحشت و

در دوران جنگ سرد، ایالات متحده برای مقابله با HIV یک استراتژی موفق را به کار برد. در اوایل دهه ۹۰ میلادی، رونالد ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، گروهی یخبشی برای مقابله با ضداطلاعات شوروی ایجاد کرد که استراتژی آن سه‌گانه بود: گزارش، تجزیه و تحلیل و اطلاع‌رسانی. این گروه با جمع‌آوری اطلاعات متوجه شده که ریشه اقدامات ضداطلاعاتی شوروی در مورد این ویروس احتمالاً از برداشت‌های یک جاسوس نشان می‌گیرد. به این ترتیب این گروه، حکومت شوروی را مسئول این ضداطلاعات و تبلیغات آن دانست و مقام‌های آمریکایی در مذاکرات خود با مقام‌های شوروی این موضوع را مطرح کردند. در سال ۱۹۸۷ مسکو تئوری توطئه در مورد ویروس HIV را کنار گذاشت. ایالات متحده باید برای مقابله با ادعاها امروز چین هم گروهی مشابه و امروزی‌تر تشکیل دهد و با توجه به نقش رسانه‌های اجتماعی در انتشار اطلاعات، این رسانه‌ها نیز باید در این مسیر همراه شوند.

چهارمین و آخرین راهی که سرویس‌های اطلاعاتی می‌توانند از طریق آنها با ویروس کرونا و دیگر ایده‌می‌ها در آینده مقابله کنند، نظارت است. در این مورد رژیم‌های استبدادی مانند چین مزیت بسیاری بر دموکراسی‌های لیبرال غربی دارند که ملزم به رعایت حاکمیت قانون و آزادی‌های شهروندی هستند. چین با استفاده از شناسه‌های دیجیتال برای نظارت بر حرکات افراد و حتی ارانه یاداش به افراد برای اطلاع‌رسانی در مورد همسایگان خود، نظارت گسترده‌ای را از طریق توده‌ای از شهروندان برای مقابله با این ویروس ایجاد کرده است. در مقابل، آمریکایی‌ها هنوز مشغول بحث در مورد سیاست‌های عمومی بهداشتی و نقض احتمالی

حقوق شهروندان در صورت ایجاد محدودیت هستند. تا زمانی که واکنشی برای ویروس کرونا وارد بازار شود که انتظار می‌رود ۱۲ تا ۱۸ ماه به طول بینجامد، نهادهای اطلاعاتی باید از این ابزارها برای مقابله با این ویروس استفاده کنند.

افزایش گمانه‌زنی‌ها برای برگزاری انتخابات آمریکا در موعد مقرر

کرونا، ترامپ را در کاخ سفید نگه می‌دارد

می‌برد، فردی نیست جز دونالد ترامپ.

بازی‌های المپیک، جشنواره ادینبرگ و نشست ۲۰۲ تغییرات آب و هوایی سازمان ملل شده است. در آمریکا انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری مانند آتمک‌های بولینگ یکی یکی لغو شد. کنوانسیون ملی دموکرات‌ها به تعویق افتاد و کمپین‌های انتخاباتی هم فعلاً متوقف شده‌اند. تمامی این اتفاقات یک سؤال بزرگ ایجاد می‌کند: آیا انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا از ویروس کرونا جان سالم به در می‌برد و برگزار می‌شود؟ انتخابات ریاست جمهوری آمریکا قرار است سوم نوامبر سال جاری میلادی برگزار شود. این تاریخ براساس قانون فدرال تعیین شده و دونالد ترامپ، رئیس جمهوری فعلی آمریکا به تهنایی قدرت قانونی تغییر تاریخ برگزاری آن را ندارد. تغییر تاریخ برگزاری انتخابات در آمریکا نیازمند مصوبه کنگره و امضای آن توسط رئیس جمهوری است. پرداختن به چنین مسئله‌ای برای بسیاری از سیاستمداران آمریکایی هنوز دور از ذهن است اما در یک ماه گذشته شیوع ویروس کرونا بسیاری از غیرممکن‌ها را ممکن کرده است.

مونیکا مک درموت، استاد علوم سیاسی دانشگاه فورد‌هام نیویورک در این باره به گاردین گفته است: «ما کاملاً در آب‌های سردگردان شناوریم و معتقدم هیچکس نمی‌داند که چه اتفاقی خواهد افتاد. وقایع ماه نوامبر می‌تواند مسائلی باشد که حتی به فکر کسی خطور نکرده است. ما حتی نمی‌دانیم انتخابات ریاست جمهوری قرار است طبق برنامه برگزار شود؛ در حالی که صحبت‌هایی از به تعویق افتادن آن یا برگزاری کامل آن به صورت اینترنتی مطرح شده است.»

بی‌ثباتی عمیق طوری کمپین‌های سیاسی را زمینگیر کرده که هیچکس در تاریخ معاصر جهان شاهد آن نبوده است. همین یک ماه پیش بود (سوم مارس) که جو بایدن، معاون رئیس جمهوری پیشین آمریکا در سه شنبه بزرگ، مهم ترین روز انتخابات مقدماتی در ۱۰ ایالت به پیروزی رسید و جایگاهش در حزب دموکرات تحکیم پیدا کرد. هم‌زمان ترامپ هم در حال برگزاری کمپین‌هایش در سالن‌هایی بود که جمعیت در آنها از سر و کول یکدیگر بالا می‌رفتند.

اکنون اما بایدن در زیرزمینش در ویلمینگتون دور گیر افتاده و تلاش می‌کند از طریق مصاحبه‌های تلویزیونی و کمپین‌های مجازی روحیه خودش و هواردانش را حفظ کند. ترامپ هم از طرف مجبور شده چشمانش را روی دوست‌داشتنی‌ترین تفریحش، جمع‌های انتخاباتی، ببندد اما این تفریح را با رسانه مورد علاقه اش جایگزین کرده است: تلویزیون؛ او هر روز برای ارائه گزارش‌های درباره ویروس کرونا به روی صفحه تلویزیون ظاهر می‌شود. در همین حال نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند کسی که از این قرنطینه و توقف فعالیت‌های انتخاباتی سود

حقوق شهروندان در صورت ایجاد محدودیت هستند. تا زمانی که واکنشی برای ویروس کرونا وارد بازار شود که انتظار می‌رود ۱۲ تا ۱۸ ماه به طول بینجامد، نهادهای اطلاعاتی باید از این ابزارها برای مقابله با این ویروس استفاده کنند.

اسرائیل یکی از نزدیک‌ترین متحدان آمریکا یک برنامه سراسری نظارت دیجیتال را با استفاده از تکنولوژی جاسوسی ردیابی تلفنی که در اصل برای مقابله با تروریسم طراحی شده، ایجاد کرده تا از طریق آن مناطق و افراد مبتلا را شناسایی کرده و در مورد آنها به مردم هشدار دهد. آمریکایی‌ها هم اگر نمی‌خواهند محدودیت‌های مشابه چین را ایجاد کنند باید سازوکاری که اسرائیل به کار گرفته را اجرا کنند. در حال حاضر امنیت افراد و بهداشتت عمومی مهم‌تر از آزادی‌های مدنی است.

در هر صورت این چهار روش مهم‌ترین اقداماتی است که سرویس‌های اطلاعاتی برای مقابله با ویروس کرونا می‌توانند انجام دهند و هنگامی که همه‌گیری ویروس کرونا از بین رفت، با گذشت زمان، انتشار اسناد نشان خواهد داد که سرویس‌های اطلاعاتی در روند مقابله با کرونا چه کمک‌هایی به دولت‌های مربوطه کرده‌اند. تاکنون و براساس گزارش‌هایی که منتشر شده، مهم‌ترین سرویس اطلاعاتی اسرائیل (موساد) عملیاتی مخفی برای خرید کیت‌های آزمایش ویروس کرونا در خارج از اسرائیل انجام داده است. تردید نیست که در دوران جنگ سرد، ایالات متحده برای مقابله با اقدامات ضداطلاعاتی شوروی درباره شیوه ویروس HIV یک استراتژی موفق را به کار برد. در اوایل دهه ۹۰ میلادی، رونالد ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، گروهی یخبشی برای مقابله با ضداطلاعات شوروی ایجاد کرد که استراتژی آن سه‌گانه بود: گزارش، تجزیه و تحلیل و اطلاع‌رسانی. این گروه با جمع‌آوری اطلاعات متوجه شده که ریشه اقدامات ضداطلاعاتی شوروی در مورد این ویروس احتمالاً از برداشت‌های یک جاسوس نشان می‌گیرد. به این ترتیب این گروه، حکومت شوروی را مسئول این ضداطلاعات و تبلیغات آن دانست و مقام‌های آمریکایی در مذاکرات خود با مقام‌های شوروی این موضوع را مطرح کردند. در سال ۱۹۸۷ مسکو تئوری توطئه در مورد ویروس HIV را کنار گذاشت. ایالات متحده باید برای مقابله با ادعاها امروز چین هم گروهی مشابه و امروزی‌تر تشکیل دهد و با توجه به نقش رسانه‌های اجتماعی در انتشار اطلاعات، این رسانه‌ها نیز باید در این مسیر همراه شوند.

چهارمین و آخرین راهی که سرویس‌های اطلاعاتی می‌توانند از طریق آنها با ویروس کرونا و دیگر ایده‌می‌ها در آینده مقابله کنند، نظارت است. در این مورد رژیم‌های استبدادی مانند چین مزیت بسیاری بر دموکراسی‌های لیبرال غربی دارند که ملزم به رعایت حاکمیت قانون و آزادی‌های شهروندی هستند. چین با استفاده از شناسه‌های دیجیتال برای نظارت بر حرکات افراد و حتی ارانه یاداش به افراد برای اطلاع‌رسانی در مورد همسایگان خود، نظارت گسترده‌ای را از طریق توده‌ای از شهروندان برای مقابله با این ویروس ایجاد کرده است. در مقابل، آمریکایی‌ها هنوز مشغول بحث در مورد سیاست‌های عمومی بهداشتی و نقض احتمالی

حقوق شهروندان در صورت ایجاد محدودیت هستند. تا زمانی که واکنشی برای ویروس کرونا وارد بازار شود که انتظار می‌رود ۱۲ تا ۱۸ ماه به طول بینجامد، نهادهای اطلاعاتی باید از این ابزارها برای مقابله با این ویروس استفاده کنند.

حقوق شهروندان در صورت ایجاد محدودیت هستند. تا زمانی که واکنشی برای ویروس کرونا وارد بازار شود که انتظار می‌رود ۱۲ تا ۱۸ ماه به طول بینجامد، نهادهای اطلاعاتی باید از این ابزارها برای مقابله با این ویروس استفاده کنند.

حقوق شهروندان در صورت ایجاد محدودیت هستند. تا زمانی که واکنشی برای ویروس کرونا وارد بازار شود که انتظار می‌رود ۱۲ تا ۱۸ ماه به طول بینجامد، نهادهای اطلاعاتی باید از این ابزارها برای مقابله با این ویروس استفاده کنند.

افزایش گمانه‌زنی‌ها برای برگزاری انتخابات آمریکا در موعد مقرر

کرونا، ترامپ را در کاخ سفید نگه می‌دارد

بزرگار شود، ایالاتی که تا پیش از این هم شاهد برگزاری انتخابات ایمیلی و غیابی بوده‌اند، به خوبی شرایط را از سر می‌گذرانند. برای مثال ایالت واشنگتن که سال‌هاست انتخابات را به صورت ایمیلی برگزار می‌کند، توانست به خوبی انتخابات اولیه اش را هم در تاریخ مقرر انجام داد. اما ۱۷ ایالت هنوز هستند که مقدمات برگزاری انتخابات غیابی در آنها نیست. تعدادی دیگر از ایالت‌ها باید جدای از صرف هزینه‌های هنگفت بسیاری از قوانین خود را تغییر دهند. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های برگزاری انتخابات غیرحضوری ضعف سیستم ایمیلی آمریکا در شرایط فعلی است. بنابراین برگزاری این چنینی انتخابات آن چنان که گمان می‌شود، ساده نیست. این مسائلهایی فنی می‌توانند نگرانی‌هایی درباره نتایج انتخابات ایجاد کند؛ اینکه آیا اساساً چنین انتخاباتی مشروعیت خواهد داشت.

علاوه بر شهروندان، احزاب سیاسی مسئله دیگری در این مسیر هستند. در حالی که دموکرات‌ها تمام تلاششان را برای تأمین هزینه‌های انتخابات غیابی به کار گرفته اند، شخص ترامپ به عنوان نماینده جمهوری خواهان می‌گوید: «به نظر من بسیاری از مردم در انتخابات غیابی غیابی تقلب می‌کنند و برای مقابله با این اتفاق باید ابزار مشارکت غیابی در انتخابات با استفاده از شماره شناسایی محقق شود». ترامپ صراحتاً اعلام کرده است که «انتخابات ریاست جمهوری پیش‌رو نباید به صورت غیابی برگزار شود».

مسئله‌ای که هنوز پاسخ مشخصی ندارد این است که آیا همه گیری کرونا به پیروزی ترامپ در این انتخابات کمک می‌کند. ترامپ ۱۳ مارس اعلام وضعیت فوق العاده در آمریکا کرد، اما به دلیل کوچک جلوه دادن ماجرای کرونا، هسرداردن روزهای اولیه برای مقابله با آن و رها کردن کشور در بحران، به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است.

با این حال از زمان اعلام وضعیت فوق العاده در آمریکا، میزان محبوبیت ترامپ از ۴۰ درصد به ۴۹ در صد افزایش یافته است. تیلدلیکران معتقدند این واکنش اصیل آمریکایی‌ها در اوضاع بحرانی است. همین اتفاق سال ۲۰۱۱ در ماجرای ۱۱ سپتامبر برای جورج بوش پسر و پس از ترور اسامه بن لادن برای باراک اوباما رخ داد. برای ترامپ این واکنش این چنین است که او حالا پس از ماه‌ها تعلل سر عقل آمده و می‌خواهد نه تنها این ماجرا بلکه تمامی اتفاقات سیاسی-اقتصاد کشور را جدی بگیرد. با این اوصاف همه چیز حتی نتیجه انتخابات ریاست جمهوری پیش رو به اقداماتی برمی‌گردد که ترامپ در یک ماه آینده انجام خواهد داد. این یعنی تیلدلیکران که تا پیش از این گمان می‌کردند، کرونا به شکست ترامپ در انتخابات منتهی می‌شود، حالا ورق را برگشته می‌بینند و معتقدند کرونا، ترامپ را روی این صندلی نگه می‌دارد.

دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۹۹

در حوالی میدان سرخ

در حوالی میدان سرخ

در حوالی میدان سرخ

چرا مشروطه به دموکراسی منجر نشد؟

در چنین جامعه‌ای، دموکراسی به معنی اتکا به اکثریت عددی رأی‌دهندگان، به کالایی یکبارمصرف تبدیل می‌شود که در همان بار نخست، قدرت سیاسی را بر اساس آرای اکثریت مطلق به‌خان‌ها و رهبران محافظه‌کار محلی منتقل و دست روشنفکران و آرمان‌هایشان را از حکمرانی خوب کوتاه می‌کند. به این دلیل بود که هرج‌ومرج ۱۵ساله پس از مشروطه، به کودتای سیدضیا، و رضاخان پهلوی منجر شد. سیدضیا، در دوره سه‌ماهه حکومت خود، رجال و دولتیان پیشین را به اتهام فساد و سوءاستفاده از قدرت بازداشت کرد و پس از او تم ترور رفورمیست‌های اطراف رضاشاه، که دوران ستارت و سلطنت او، کوشیدند با اکتفا به حداقل آزادی‌های فردی، به توسعه فرهنگی و آموزشی در سطح ملی، توسعه قانون‌مداری و تصویب مجموعه‌های قوانی کشور، توسعه بوروکراسی و ساخت‌افزار مانند ابنیه و نمادهای حاکمیت دولت و نرم‌افزار یعنی انباشتن آن ابنیه با مأموران و بوروکرات‌های قضائی، مالیاتی، کشاورزی و اهداری و نیز توسعه

صنعتی برای رفق نیازهای اولیه از آرد، جای و نقد گرفته تا سیمان، پارچه و مصالح ساختمانی بپردازند. در چنین شرایطی، شعارهای مشروطه، آزادی و دموکراسی و «نهاده تجملی حزب» به بعد موکول می‌شد؛ اما مجلس که نماد مشروطه و دموکراسی بود، همچنان به صورت نمادین وجود داشت واعضایش مطلق مصالح برگزیده می‌شدند! در تحول به نسوی دموکراسی، تداوم همان نمادها نیز برای زمان پختگی غنیمت هستند. پس از رضاشاه، هنوز جمعیت بی‌سواد و روستانشین در حدود ۸۰ درصد بود که هرج‌ومرجی شبیه دوران پس از مشروطه آغاز شد که در آن احزاب اندکی، جدی‌تر از گذشته، شکل گرفتند.

برخی احزاب ریشه در دیدگاه‌های نامونالیستی ملهم از آلمان هیتلری داشتند، مانند احزاب سومکا و پان‌ایرانیست جدی‌گرفتن رختل‌های اطلاعاتی پیشگیری از شیوع بیماری‌های همه‌گیر اطمینان حاصل خواهند کرد که تجربه کرونا و عدم آمادگی آنها دیگر تکرار نخواهد شد. ایالات متحده در این میان می‌تواند پیشرو باشد. همان‌طور که پرل هابو و حملات ۱۱ سپتامبر منجر به بازسازی اطلاعاتی ایالات متحده شد تا در مورد تکرار آنها اطمینان حاصل شود، تجربه مقابله با ویروس کرونا هم باعث می‌شود هوش و تکنولوژی مقابله با بیماری‌های همه‌گیر در کنار مقابله با تروریسم، امنیت سایبری و مقابله با جاسوسی به یکی از اولویت‌های امنیت ملی آمریکا تبدیل شود. دور از انتظار نیست که از این پس آمادگی کشورها برای مقابله با تهدید بیوتورسیم هم افزایش یابد.

و به‌تدریج احزابی نمایان برای پرکردن صندلی‌های مجلسی صوری تشکیل شدند. نخستین‌بار زمان دکتر اقبال، حزب ملیون به حزب موخالف مردم به دبیرکلی علم تشکیل شد که به‌مرامه نسبتاً مشابه و تشکیلاتی جزئی و بدون اهمیت داشتند و بعدها حزب ملیون به حزب ایران نوین تبدیل شد. محمدرضاشاه که به‌تدریج با طولانی‌شدن بقا در قدرت، مستبدتر می‌شد، تحمل انتقادهای نمایان حزب مردم را نیز نداشت و یک بار مشکلاتی برای دبیرکل بنیهای آن حزب فراهم‌شد. اوج قدرت‌مداری محمدرضاشاه در اواسط دهه ۱۳۵۰، موجب خطای بزرگ او در برقراری نظام حزبی مبتنی بر آرمان شاهنشاهی شد که هم‌زمان با اوج‌گرفتن درآمدهای نفتی و اجرای برخی پروژه‌های شتاب‌زده، موجب تسریع در سقوط حکومت پهلوی شد. در نظام آرمانی او، برای مشروع نشان‌دادن دموکراسی ارشاد، آن‌هم در زمانی که نزدیک ۷۰ درصد جامعه شهرنشین شده و بیشتر آنان دست‌کم‌به سواد خواندن و نوشتن دست یافته بودند، مقرر شد مقامات حزب واحد رسانخیز در کمیته‌های صلاحیت کاندیداهای هر حوزه را بررسی و برای هرکسی سه نفر را برگزینند تا مردم هر حوزه بتوانند با «آزادی کامل» از میان آن کاندیداهای تأییدشده، هرکدام را که دلشان خواست در انتخابات کاملاً آزاد برگزینند؛ البته بیش از یک بار نوبت به چنین اقدامی نرسید و وقوع انقلاب نشان داد دموکراسی لازمه حکمرانی است.هنوز چند سالی از پیروزی مشروطه نگذشته بود که ماتم و پرنسش اینکه «چرا مشروطه دموکراسی در ایران شکست خورد؟» آغاز شد؛ پرسشی که هنوز هم ادامه دارد. باین‌حال، پرسش‌کنندگان به این نکته توجه ندارند که در اروپا، تحول دموکراسی‌خواهی پس از نیل به آزادی‌های اولیه و برقراری حکومت قانون شکل گرفت و پس از آن پدید آمد که بیش از ۶۰ درصد آن جوامع، به سواد و فرهنگی مدنی و شناخت حقوق سیاسی خود دست یافتند و آن تحول متکی بر ضماحت بیشتر این قشر فرهنگ‌مدار بود. درحالی‌که در دوران مشروطه، ۹۵ درصد مردم ایران روستانشین و در همین حدود، بی‌سواد و ناآشنا به حقوق سیاسی خود بودند.

کودک، کتاب و کرونا

انس با کتاب در خانواده‌ها به‌ویژه در بین کودکان نه به‌عنوان یک کنش شناه‌ای و کم‌اهمیت که به‌عنوان یک ضرورت از مضامین یک به شمار می‌آید. در این‌میان نهادهای عمومی مانند شهرداری‌ها در رویکرد خدمات اجتماعی و فرهنگ‌سازی شهروندی، نقشی بی‌بدیل بر عهده دارند که اگر الزام آن از فعالیت‌های عمرانی و خدمات شهری بیشتر نباشد، کمتر هم نیست. این رویکرد، تعامل دوسویه شهروندان و مدیریت شهری در جهان را ارتقا بخشیده و ریسک انسانی را تسهیل خواهد کرد که در مواجهه با بحران‌هایی مانند همه‌گیری، خود را بیشتر نشان می‌دهد. به باور نگارنده نقش فرهنگ اجتماعی در مهارکردن بحران‌ها و از جمله در موضوع کرونا در کنار تصمیم‌های هوشمندانه و دقیق و قاطع دولت در یک رابطه دوسویه می‌تواند کشور را با هزینه کمتر و زمان کوتاه‌تر از بحران عبور دهد.